

کتاب زکریای نبی

بازگشت بسوی خداوند

۱ در ماه هشتم از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا ابن بریقا ابن عدوی نبی نازل شده، گفت: ۲ «خداوند بر پدران شما بسیار غضبناک بود. ۳ پس به ایشان بگو: یهوه صبیوت چنین می گوید بسوی من بازگشت کنید. قول یهوه صبیوت این است. و یهوه صبیوت می گوید: من به سوی شما رجوع خواهم نمود. ۴ شما مثل پدران خود م باشید که انبیا سلف ایشان را ندا کرده، گفتند یهوه صبیوت چنین می گوید از راههای زشت خود و از اعمال بد خویش بازگشت نمائید، اما خداوند می گوید که ایشان نشنیدند و به من گوش ندادند. ۵ پدران شما کجا هستند و آیا انبیا همیشه زنده می مانند؟ ۶ لیکن کلام و فریض من که به بندگان خود انبیا مفرموده بودم، آیا پدران شما را در نگرفت؟ و چون ایشان بازگشت نمودند، گفتند چنانکه یهوه صبیوت قصد نمود که موافق راهها و اعمال ما به ما عمل نماید همچنان به ما عمل نموده است.»

مردی در میان درختان آتش

۷ در روز بیست و چهارم ماه یازدهم که ماه شباط باشد، از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا ابن بریقا ابن عدوی نبی نازل شده، گفت: ۸ در وقت شب دیدم که اینک مردی بر اسب سرخ سوار بود و در میان درختان آس که در وادی بود ایستاده و در عقب او اسبان سرخ و زرد و سفید بود. ۹ و گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» و فرشته ای که با من تکلم می نمود، مرا گفت: «من تورا نشان می دهم که اینها چیستند.»

۱۰ پس آن مرد که در میان درختان آس ایستاده بود، جواب داد و گفت: «اینها کسانی می‌باشند که خداوند ایشان را برای تردد نمودن در جهان فرستاده است.»^{۱۱} و ایشان به فرشته خداوند که در میان درختان آس ایستاده بود جواب داد، گفتند: «ما در جهان تردد نموده‌ایم و اینک تمامی جهان مستریج و آرام است.»^{۱۲} و فرشته خداوند جواب داد، گفت: «ای یهوه صبیوت تا به کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا که در این هفتاد سال غضبناک می‌بودی رحمت نخواهی نمود؟»^{۱۳} و خداوند با سخنان نیکو و کلام تسلی آمیز آن فرشته‌ای را که با من تکلم می‌نمود جواب داد.

۱۴ پس فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود مرا گفت: «ندا کرده بگو یهوه صبیوت چنین می‌گوید: در باره اورشلیم و صهیون غیرت عظیمی داشتم. ۱۵ و برامت های مطمئن سخت غضبناک شدم زیرا که اندک غضبناک می‌بودم لیکن ایشان بلا را زیاده کردند. ۱۶ بنابراین خداوند چنین می‌گوید: به اورشلیم با رحمت‌ها رجوع خواهم نمود و خانه من در آن بنا خواهد شد. قول یهوه صبیوت این است و ریسمانکاری بر اورشلیم کشیده خواهد شد. ۱۷ بار دیگر ندا کرده، بگو که یهوه صبیوت چنین می‌گوید: شهرهای من بار دیگر به سعادتندی لبریز خواهد شد و خداوند صهیون را باز تسلی خواهد داد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید.»

چهار شاخ

۱۸ پس چشمان خود را برافراشته، نگریستم و اینک چهار شاخ بود. ۱۹ و به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها چیستند؟» او مرا گفت: «اینها شاخها می‌باشند که یهودا و اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته‌اند.» ۲۰ و خداوند چهار آهنگر به من نشان داد. ۲۱ و گفتم: «اینان برای چه کار می‌آیند؟» او در جواب گفت: «آنها شاخها می‌باشند که یهودا را چنان

پراکنده نموده‌اند که احدی سر خود را بلند نمی‌تواند کرد و اینها می‌آیند تا آنها را بترسانند و شاخهای امت‌هایی را که شاخ خود را بر زمین یهود ابرافراشته، آن را پراکنده ساخته‌اند بیرون افکنند.»

۲

مردی با ریسمانکاری

۱ و چشمان خود را ابرافراشته، نگریستم و مردی که ریسمانکاری به دست خود داشت دیدم. ۲ و گفتم که «کجا می‌روی؟» او مرا گفت: «به جهت پیودن اورشلیم تا ببینم عرضش چه و طولش چه می‌باشد.»

۳ و اینک فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود بیرون رفت و فرشته دیگر برای ملاقات وی بیرون آمده، ۴ وی را گفت: «بشتاب و این جوان را خطاب کرده، بگو: اورشلیم به سبب کثرت مردمان و بهایی که در اندرونش خواهند بود، مثل دهات بی‌حصار مسکون خواهد شد. ۵ و خداوند می‌گوید که من به اطرافش دیواری آتشین خواهم بود و در اندرونش جلال خواهم بود. ۶ هان هان خداوند می‌گوید از زمین شمال بگریزید زیرا که شما را مثل چهار باد آسمان پراکنده ساخته‌ام. قول خداوند این است. ۷ هان‌ای صهیون که با دختر بابل ساکن هستی، خویشتن را رستگار ساز. ۸ زیرا یهوه صبیوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است.»

۹ «زیرا اینک من دست خود را بر ایشان خواهم افشاند و ایشان غارت بندگان خودشان خواهند شد و شما خواهید دانست که یهوه صبیوت مرا فرستاده است. ۱۰ ای دختر صهیون ترنم نما و شادی کن زیرا خداوند می‌گوید که اینک می‌آیم و در میان تو ساکن خواهم شد. ۱۱ و در آن روز امت‌های بسیار به خداوند ملصق شده، قوم من خواهند شد و من در

میان تو سکنی خواهیم گرفت و خواهی دانست که یهوه صباپوت مرا نزد تو فرستاده است. ۱۲ و خداوند یهودا را در زمین مقدس برای ملک خود به تصرف خواهد آورد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید. ۱۳ ای تمامی بشر به حضور خداوند خاموش باشید زیرا که او از مسکن مقدس خود برخاسته است.»

۳

لباس فاخر یهوشع

۱ و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با اوخاصمه نماید. ۲ و خداوند به شیطان گفت: «ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟» ۳ و یهوشع به لباس پلید ملبس بود و به حضور فرشته ایستاده بود. ۴ و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: «لباس پلید را از برش بیرون کنید.» و او را گفت: «بین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.» ۵ و من گفتم که عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانیدند و فرشته خداوند ایستاده بود.

۶ و فرشته خداوند یهوشع را اعلام نموده، گفت: ۷ «یهوه صباپوت چنین می فرماید: اگر به طریق های من سلوک نمایی و ودیعت مرا نگاه داری تو نیز خانه مرا داوری خواهی نمود و سخن های مرا محافظت خواهی کرد و تو را در میان آنانی که نزد من می ایستند بار خواهیم داد. ۸ پس ای یهوشع رئیس کهنه بشنو تو و رفقاییت که به حضور تو می نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. (بشنوید) زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد. ۹ و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می گذارم، بریک سنگ هفت چشم می باشد. اینک یهوه صباپوت می گوید که من نقش آن

را رقم خواهم کرد و عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود. ۱۰ و یهوه صباپوت می گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر مو و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود.»

۴

شمعدان طلا و درختان زیتون

۱ و فرشته‌ای که با من تکلم می نمود، برگشته، مرا مثل شخصی که از خواب بیدار شود بیدار کرد، ۲ و به من گفت: «چه چیز می بینی؟» گفتم: «نظر کردم و اینک شمعدانی که تمامش طلاست و روغندانش بر سرش و هفت چراغش بر آن است و هر چراغ که بر سرش می باشد هفت لوله دارد. ۳ و به پهلوی آن دو درخت زیتون که یکی بطرف راست روغندان و دیگری بطرف چپش می باشد.»

۴ و من توجه نموده، فرشته‌ای را که با من تکلم می نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چه می باشد؟» ۵ و فرشته‌ای که با من تکلم می نمود مرا جواب داد و گفت: «آیانی دانی که اینها چیست؟» گفتم: «نه ای آقایم.»

۶ او در جواب من گفت: «این است کلامی که خداوند به زربابل می گوید: نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من. قول یهوه صباپوت این است. ۷ ای کوه بزرگ تو چپستی؟ در حضور زربابل به همواری مبدل خواهی شد و سنگ سر آن را بیرون خواهد آورد و صدا خواهند زد فیض فیض بر آن باشد.»

۸ و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: ۹ «دستهای زربابل این خانه را بنیاد نهاد و دستهای وی آن را تمام خواهد کرد و خواهی دانست که یهوه صباپوت مرا نزد شما فرستاده است. ۱۰ زیرا کیست که روز امور کوچک را خوار شمارد زیرا که این هفت مسرور خواهند شد حینی که

شاغول را در دست زربابل می بینند. و اینها چشمان خداوند هستند که در تمامی جهان تردمی نمایند.»

۱۱ پس من او را خطاب کرده، گفتم: «این دودرخت زیتون که بطرف راست و بطرف چپ شمعدان هستند چه می باشند؟»

۱۲ و بار دیگر او را خطاب کرده، گفتم که «این دو شاخه زیتون به پهلوی دولوله زربینی که روغن طلا را از خود می ریزد چیستند؟»

۱۳ او مرا جواب داده، گفت: «آیا نمی دانی که اینها چیستند؟» گفتم: «نه ای آقایم.» ۱۴ گفتم: «اینها پسران روغن زیت می باشند که نزد مالک تمامی جهان می ایستند.»

۵

طومار پران

۱ و باز چشمان خود را برافراشته، نگرستم و طوماری پران دیدم. ۲ و او مرا گفت: «چه چیز می بینی؟» گفتم: «طوماری پران می بینم که طولش بیست ذراع و عرضش ده ذراع می باشد.» ۳ او مرا گفت: «این است آن لعنتی که بر روی تمامی جهان بیرون می رود زیرا که از این طرف هردزد موافق آن منقطع خواهد شد و از آن طرف هرکه سوگند خورد موافق آن منقطع خواهد گردید. ۴ یهوه صباوت می گوید: من آن را بیرون خواهم فرستاد و به خانه دزد و به خانه هر که به اسم من قسم دروغ خورد داخل خواهد شد و در میان خانه اش نزیل شده، آن را با چوبهایش و سنگهایش منهدم خواهد ساخت.»

زنی در میان ایفا

۵ پس فرشته ای که با من تکلم می نمود بیرون آمده، مرا گفت: «چشمان خود را برافراشته ببین که اینکه بیرون می رود چیست؟»

۶ گفتم: «این چیست؟» او جواب داد: «این است آن ایفایی که بیرون می‌رود و گفت نمایش ایشان در تمامی جهان این است.»
 ۷ و اینک وزنه‌ای از سرب برداشته شد. وزنی در میان ایفا نشسته بود.
 ۸ و او گفت: «این شرارت است.» پس وی را در میان ایفا انداخت و آن سنگ سرب را بر دهنه‌اش نهاد. ۹ پس چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک دوزن بیرون آمدند و باد در بالهای ایشان بود و بالهای ایشان مثل بالهای لق لقی بود و ایفا را به میان زمین و آسمان برداشتند.
 ۱۰ پس به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها ایفا را کجا می‌برند؟»
 ۱۱ او مرا جواب داد: «تا خانه‌ای در زمین شنعار برای وی بنا نمایند و چون آن مهیا شود آنگاه او در آنجا بر پایه خود برقرار خواهد شد.»

۶

چهار ارابه

۱ و بار دیگر چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک چهار ارابه از میان دو کوه بیرون می‌رفت و کوهها کوههای مسین بود. ۲ در ارابه اول اسبان سرخ و در ارابه دوم اسبان سیاه، ۳ و در ارابه سوم اسبان سفید و در ارابه چهارم اسبان ابلق قوی بود. ۴ و فرشته را که با من تکلم می‌نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» ۵ فرشته در جواب من گفت: «اینها چهار روح افلاک می‌باشند که از ایستادن به حضور مالک تمامی جهان بیرون می‌روند. ۶ اما آنکه اسبان سیاه را دارد، اینها بسوی زمین شمال بیرون می‌روند و اسبان سفید در عقب آنها بیرون می‌روند و ابلقها به زمین جنوب بیرون می‌روند.» ۷ و آن اسبان قوی بیرون رفته، آرزو دارند که بروند و در جهان گردش نمایند؛ و او گفت: «بروید و در جهان گردش نمایید.» پس در جهان گردش کردند. ۸ و او به من ندا

درداد و مرا خطاب کرده، گفت: «بین آنهایی که به زمین شمال بیرون رفته‌اند، خشم مرا در زمین شمال فرو نشانیدند.»

تاج یهوشع

۹ و کلام خداوند به من نازل شده، گفت: ۱۰ «از اسیران یعنی از حلدای و طوییا و یدعیا که از بابل آمده‌اند بگیر و در همان روز بیا و به خانه یوشیا بن صفیا داخل شو. ۱۱ پس نقره و طلا بگیر و تاجی ساخته، آن را بر سر یهوشع بن یهوصادق رئیس کهنه بگذار. ۱۲ و او را خطاب کرده، بگو: یهوه صبایوت چنین می‌فرماید و می‌گوید: اینک مردی که به شاخه مسمی است و از مکان خود خواهد روید و هیکل خداوند را بنا خواهد نمود. ۱۳ پس او هیکل خداوند را بنا خواهد نمود و جلال را متحمل خواهد شد و بر کرسی او جلوس نموده، حکمرانی خواهد کرد و بر کرسی او کاهن خواهد بود و مشورت سلامتی در میان هر دوی ایشان خواهد بود. ۱۴ و آن تاج برای حالم و طوییا و یدعیا و حین بن صفیا به جهت یادگاری در هیکل خداوند خواهد بود. ۱۵ و آنانی که دورند خواهند آمد و در هیکل خداوند بنا خواهند نمود و خواهید دانست که یهوه صبایوت مرا نزد شما فرستاده است و اگر قول یهوه خدای خویش را بکلی اطاعت نمائید این واقع خواهد شد.»

۷

برتری لطف و احسان بر روزه

۱ و در سال چهارم داریوش پادشاه واقع شد که کلام خداوند در روز چهارم ماه نهم که ماه کسلو باشد بر زکریا نازل شد. ۲ و اهل بیت تیل یعنی شراصر و رجم ملک و کسان ایشان فرستاده بودند تا از خداوند مسالت نمایند. ۳ و به کاهنانی که در خانه یهوه صبایوت بودند و به انبیا تکلم نموده، گفتند: «آیا در ماه پنجم می‌باید که من گریه کنم و زهد ورزم چنانکه در این سالها کردم؟»

۴ پس یهوه صبايوت به من نازل شده، گفت: ۵ «تمامی قوم زمین و کاهنان را خطاب کرده، بگو: چون در این هفتاد سال در ماه پنجم و ماه هفتم روزه داشتید و نوحه گری نمودید، آیا برای من هرگز روزه می داشتید؟ ۶ و چون می خورید و چون می نوشید، آیا به جهت خود نمی خوردید و برای خود نمی نوشید؟ ۷ آیا کلامی را که خداوند به واسطه انبیای سلف ندا کرد، هنگامی که اورشلیم مسکون و امن می بود و شهرهای مجاورش و جنوب و هامون مسکون می بود (دانیل؟)»

۸ و کلام خداوند بر زکریا نازل شده، گفت: ۹ «یهوه صبايوت امر فرموده، چنین می گوید: براستی داوری نمائید و با یکدیگر احسان و لطف معمول دارید. ۱۰ و بر یهوه زنان و یتیمان و غریبان و فقیران ظلم نمائید و در دلهای خود بر یکدیگر بدی میندیشید. ۱۱ اما ایشان از گوش گرفتن ابا نمودند و سرکشی کرده، گوشهای خود را از شنیدن سنگین ساختند. ۱۲ بلکه دلهای خویش را (مثل (الماس سخت نمودند تا شریعت و کلامی را که یهوه صبايوت به روح خود به واسطه انبیای سلف فرستاده بود نشنوند، بنابراین خشم عظیمی از جانب یهوه صبايوت صادر شد. ۱۳ پس واقع خواهد شد چنانکه او ندا کرد و ایشان نشنیدند، همچنان یهوه صبايوت می گوید ایشان فریاد خواهند برآورد و من نخواهم شنید. ۱۴ و ایشان را بر روی تمامی امت هایی که شناخته بودند، به گردباد پراکنده خواهم ساخت و زمین در عقب ایشان چنان ویران خواهد شد که کسی در آن عبور و تردد نخواهد کرد پس زمین مرغوب را ویران ساخته اند.»

۸

وعده برکت اورشلیم

۱ و کلام یهوه صبايوت بر من نازل شده، گفت: ۲ «یهوه صبايوت چنین می فرماید: برای صهیون غیرت عظیمی دارم و با غضب سخت برایش

غیور هستم. ۳ خداوند چنین می گوید: به صهیون مراجعت نموده ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد و اورشلیم به شهر حق و کوه یهوه صبایوت به کوه مقدس مسمی خواهد شد. ۴ یهوه صبایوت چنین می گوید: مردان پیر و زنان پیر باز در کوچه های اورشلیم خواهند نشست و هریکی از ایشان به سبب زیادتی عمر عصای خود را در دست خود خواهد داشت. ۵ و کوچه های شهر از پسران و دختران که در کوچه هایش بازی می کنند پر خواهد شد. ۶ یهوه صبایوت چنین می گوید: اگر این امر در این روزها به نظر بقیه این قوم عجیب نماید آیا در نظر من عجیب خواهد نمود؟ قول یهوه صبایوت این است.

۷ «یهوه صبایوت چنین می گوید: اینک من قوم خود را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رهانید. ۸ و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من براسی و عدالت خدای ایشان خواهم بود. ۹ یهوه صبایوت چنین می گوید: دستهای شما قوی شودای کسانی که در این ایام این کلام را از زبان انبیا شنیدید که آن در روزی که بنیادخانه یهوه صبایوت را برای بنا نمودن هیکل نهادند واقع شد. ۱۰ زیرا قبل از این ایام مزدی برای انسان نبود و نه مزدی به جهت حیوان؛ و به سبب دشمن برای هر که خروج و دخول می کرده هیچ سلامتی نبود و من همه کسان را به ضدیکدیگر واداشتم. ۱۱ اما الان یهوه صبایوت می گوید: من برای بقیه این قوم مثل ایام سابق نخواهم بود. ۱۲ زیرا که زرع سلامتی خواهد بود و مو میوه خود را خواهد داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و آسمان شبنم خویش را خواهد بخشید و من بقیه این قوم را مالک جمیع این چیزها خواهم گردانید. ۱۳ و واقع خواهد شد چنانکه شمای خاندان یهودا وای خاندان اسرائیل در میان امتها (مورد لعنت شده اید، همچنان شما را نجات خواهم داد تا) مورد برکت بشوید؛ پس مترسید و دستهای شما قوی باشد. ۱۴ زیرا که یهوه صبایوت چنین می گوید: چنانکه قصد نمودم

که به شما بدی برسانم حینی که پدران شماخشم مرا به هیجان آوردند و یهوه صبايوت می گوید که از آن پشیمان نشدم. ۱۵ همچنین در این روزها رجوع نموده، قصد خواهم نمود که به اورشلیم و خاندان یهودا احسان نمایم. پس ترسان مباشید. ۱۶ و این است کارهایی که بایدبکنید: با یکدیگر راست گوید و در دروازه های خود انصاف و داوری سلامتی را اجرا دارید. ۱۷ و در دلهای خود برای یکدیگر بدی میندیشید و قسم دروغ را دوست مدارید، زیرا خداوند می گوید از همه این کارها نفرت دارم.»

۱۸ و کلام یهوه صبايوت بر من نازل شده، گفت: ۱۹ «یهوه صبايوت چنین می گوید: روزه ماه چهارم و روزه ماه پنجم و روزه ماه هفتم و روزه ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور وعیدهای خوش مبدل خواهد شد پس راستی و سلامتی را دوست بدارید. ۲۰ یهوه صبايوت چنین می گوید: بار دیگر واقع خواهد شد که قومها و ساکنان شهرهای بسیار خواهند آمد. ۲۱ و ساکنان یک شهر به شهر دیگر رفته، خواهند گفت: بیاید برویم تا از خداوند مسالت نمایم و یهوه صبايوت را بطلبیم و من نیز خواهم آمد. ۲۲ و قوم های بسیار و امت های عظیم خواهند آمد تا یهوه صبايوت را در اورشلیم بطلبند و از خداوند مسالت نمایند. ۲۳ یهوه صبايوت چنین می گوید در آن روزها ده نفر از همه زبانهای امتها به دامن شخص یهودی چنگ زده، متمسک خواهند شد و خواهند گفت همراه شما می آییم زیرا شنیده ایم که خدا با شماست.»

۹

داوری دشمنان اسرائیل

۱ و وحی کلام خداوند بر زمین حدراخ (نازل می شود) و دمشق محل آن می باشد، زیرا که نظر انسان و نظر تمامی اسباط اسرائیل بسوی خداوند است. ۲ و برحمات نیز که مجاور آن است و بر صور و صیدون اگرچه بسیار

دانشمندی باشد. ۳ و صور برای خود ملاذی منیع ساخت و نقره را مثل غبار و طلا را مانند گل کوچه ها نباشت. ۴ اینک خداوند او را اخراج خواهد کرد و قوتش را که در دریا می باشد، تلف خواهد ساخت و خودش به آتش سوخته خواهد شد. ۵ اشقلون چون این را بیند خواهد ترسید و غزه بسیار دردناک خواهد شد و عقرون نیز زیرا که اعتماد او نجل خواهد گردید و پادشاه از غزه هلاک خواهد شد و اشقلون مسکون نخواهد گشت. ۶ و حرام زاده ای در اشدود جلوس خواهد نمود و حشمت فلسطینیان را منقطع خواهد ساخت. ۷ و خون او را از دهانش بیرون خواهم آورد و رجاساتش را از میان دندانهایش؛ و بقیه اونیز به جهت خدای ما خواهد بود و خودش مثل امیری در یهودا و عقرون مانند ییوسی خواهد شد. ۸ و من گرداگرد خانه خود به ضد لشکر اردو خواهم زد تا کسی از آن عبور و مرور نکند و ظالم بار دیگر از میان آنها گذر نخواهد کرد زیرا که حال به چشمان خود مشاهده نموده ام.

وعده پادشاهان صهیون

۹ ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تونزد تو می آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد و بر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است. ۱۰ و من ارابه را از افرایم و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت و کمان جنگی شکسته خواهد شد و او با امت ها به سلامتی تکلم خواهد نمود و سلطنت او از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود. ۱۱ و اما من اسیران تو را نیز به واسطه خون عهد تو از چاهی که در آن آب نیست رها کردم. ۱۲ ای اسیران امید، به ملاذ منیع مراجعت نمائید. امروز نیز خبر می دهم که به شما نصیب (مضاعف) رد خواهم نمود. ۱۳ زیرا که یهودا را برای خود زه خواهم کرد و افرایم

راتیریکان خواهم ساخت و پسران تو را ای صهیون به ضد پسران توای یاوان خواهم برانگیخت و تورا مثل شمشیر جبار خواهم گردانید.

ظهور خداوند

۱۴ و خداوند بالای ایشان ظاهر خواهد شد و تیر او مانند برق خواهد جست و خداوند یهوه کرنا را نواخته، بر گردبادهای جنوبی خواهد تاخت. ۱۵ یهوه صبیوت ایشان را حمایت خواهد کرد و ایشان غذا خورده، سنگهای فلاخن را پایمال خواهند کرد و نوشیده، مثل از شراب نعره خواهند زد و مثل جامها و مانند گوشه های مذبح پر خواهند شد. ۱۶ و یهوه خدای ایشان ایشان را در آن روز مثل گوسفندان قوم خود خواهد رهانید زیرا که مانند جواهر تاج بر زمین او خواهند درخشید. ۱۷ زیرا که حسن و زیبایی او چه قدر عظیم است. گندم جوانان را و عصیر انگور دوشیزگان را خرم خواهد ساخت.

۱۰

تفقد از یهودا

۱ باران را در موسم باران آخر از خداوند بطلبید. از خداوند که برقها را می سازد و او به ایشان باران فراوان هرکس در زمینش نگاه خواهد بخشید. ۲ زیرا که ترافیم سخن باطل می گویند و فالگیران رویاهای دروغ می بینند و خوابهای باطل بیان می کنند و تسلی بیوده می دهند، از این جهت مثل گوسفندان آواره می باشند و از نبودن شبان ذلیل می گردند. ۳ خشم من بر شبانان مشتعل شده است و به بزهای نزعقوبت خواهم رسانید زیرا که یهوه صبیوت از گله خود یعنی از خاندان یهودا تفقد خواهد نمود و ایشان را مثل اسب جنگی جلال خود خواهد گردانید. ۴ از او سنگ زاویه و از او میخ و از او کمان جنگی و از او همه ستمکاران با هم بیرون می آیند. ۵ و ایشان مثل جباران (دشمنان خود را) در گل کوجهها در عرصه جنگ پایمال

خواهند کرد و محاربه خواهند نمود زیرا خداوند با ایشان است و اسب سواران نخل خواهند گردید.

۶ و من خاندان یهودا را تقویت خواهم کرد و خاندان یوسف را خواهم رهانید و ایشان را به امنیت ساکن خواهم گردانید، زیرا که بر ایشان رحمت دارم و چنان خواهند بود که گویا ایشان را ترک ننموده بودم زیرا یهوه خدای ایشان من هستم؛ پس ایشان را اجابت خواهم نمود. ۷ و بنی افرایم مثل جباران شده، دل ایشان گویا از شراب مسرور خواهد شد و پسران ایشان چون این را بینند شادی خواهند نمود و دل ایشان در خداوند وجد خواهد کرد. ۸ و ایشان را صدا زده، جمع خواهم کرد زیرا که ایشان را فدیة داده‌ام و افزوده خواهند شد چنانکه در قبل افزوده شده بودند. ۹ و ایشان را در میان قوم‌ها خواهم کاشت و مرا در مکان‌های بعید پیاد خواهند آورد و با پسران خود زیست نموده، مراجعت خواهند کرد. ۱۰ و ایشان را از زمین مصر باز خواهم آورد و از اشور جمع خواهم نمود و به زمین جلعاد و لبنان داخل خواهم ساخت و آن گنجایش ایشان را نخواهد داشت. ۱۱ و او از دریای مصیبت عبور نموده، امواج دریا را خواهد زد و همه ژرفیهای نهر خشک خواهد شد و حشمت اشور زایل خواهد گردید و عصبای مصر نیست خواهد شد. ۱۲ و ایشان را در خداوند قوی خواهم ساخت و در نام او سالک خواهند شد. قول خداوند این است.

۱۱

۱ ای لبنان درهای خود را باز کن تا آتش، سروهای آزاد تو را بسوزاند.
 ۲ ای صنوبر ولوله نما زیرا که سرو آزاد افتاده است (و درختان (بلند خراب شده. ای بلوطهای باشان ولوله نمایید زیرا که جنگل منیع افتاده است.
 ۳ صدای ولوله شبانان است زیرا که جلال ایشان خراب شده؛ صدای غرش شیران ژیان است زیرا که شوکت اردن ویران گردیده است.

دو شبان

۴ یهوه خدای من چنین می‌فرماید که گوسفندان ذبح را بچران ۵ که خریداران ایشان آنها را ذبح می‌نمایند و مجرم شمرده نمی‌شوند و فروشندگان ایشان می‌گویند: خداوند متبارک باد زیرا که دولت‌مند شده‌ایم. و شبانان آنها برایشان شفقت ندارند. ۶ زیرا خداوند می‌گوید: بر ساکنان این زمین بار دیگر ترحم نخواهم نمود و اینک من هر کس از مردمان را به دست همسایه‌اش و به دست پادشاهش تسلیم خواهم نمود و زمین را ویران خواهند ساخت و از دست ایشان رهایی نخواهم بخشید. ۷ پس من گله ذبح یعنی ضعیف‌ترین گله را چرانیدم و دو عصا برای خود گرفتم که یکی از آنها را نعمه نامیدم و دیگری را حبال نام نهادم و گله را چرانیدم. ۸ و در یک ماه سه شبان را منقطع ساختم و جان من از ایشان بیزار شد و جان ایشان نیز از من متنفر گردید. ۹ پس گفتم شما را نخواهم چرانید. آنکه مردنی است بمیرد و آنکه هلاک شدنی است هلاک شود و باقی ماندگان گوشت یکدیگر را رانجورند. ۱۰ پس عصای خود نعمه را گرفته، آن را شکستم تا عهدی را که با تمامی قوم‌ها بسته بودم شکسته باشم. ۱۱ پس در آن روز شکسته شد و آن ضعیف‌ترین گله که منتظر من می‌بودند فهمیدند که این کلام خداوند است. ۱۲ و به ایشان گفتم: اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید و الا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند. ۱۳ و خداوند مرا گفت: آن را نزد کوزه‌گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه خداوند نزد کوزه‌گر انداختم. ۱۴ و عصای دیگر خود حبال را شکستم تا برادری را که در میان یهودا و اسرائیل بود شکسته باشم.

۱۵ و خداوند مرا گفت: «بار دیگر آلات شبان احق را برای خود بگیر.

۱۶ زیرا اینک من شبانی را در این زمین خواهم برانگیخت که از هالکان

تفقد نخواهد نمود و گم شدگان را نخواهد طلبید و مجروحان را معالجه نخواهد کرد و ایستادگان را نخواهد پرورد بلکه گوشت فرهبان را خواهد خورد و سمهای آنها را خواهد کند. ۱۷ وای بر شبان باطل که گله را ترک می‌نمایند. شمشیر بر بازویش و بر چشم راستش فرود خواهد آمد و بازویش بالکل خشک خواهد شد و چشم راستش بکلی تار خواهد گردید.»

۱۲

نابودی دشمنان اورشلیم

۱ وحی کلام خداوند درباره اسرائیل. قول خداوند است که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت. ۲ اینک من اورشلیم را برای جمیع قوم های مجاورش کاسه سرگیجش خواهم ساخت و این بر یهودا نیز حینی که اورشلیم را محاصره می کنند خواهد شد. ۳ و در آن روز، اورشلیم را برای جمیع قوم‌ها سنگی گران بار خواهم ساخت و همه کسانی که آن را برخورد بار کنند، سخت مجروح خواهند شد و جمیع امت های جهان به ضد او جمع خواهند گردید. ۴ خداوند می گوید در آن روز من همه اسبان را به حیرت و سواران آنها را به جنون مبتلا خواهم ساخت. و چشمان خود را بر خاندان یهودا باز نموده، همه اسبان قوم‌ها را به کوری مبتلا خواهم کرد. ۵ و سروران یهودا در دل خود خواهند گفت که ساکنان اورشلیم در خدای خود یهوه صباوت قوت من می باشند. ۶ در آن روز سروران یهودا را مثل آتشانی در میان هیزم و مانند شعله آتش در میان بافه‌ها خواهم گردانید و همه قوم های مجاور خویش را از طرف راست و چپ خواهند سوزانید و اورشلیم بار دیگر در مکان خود یعنی در اورشلیم مسکون خواهد شد. ۷ و خداوند خیمه های یهودا را اول خواهد رهانید تا حشمت خاندان داود و حشمت ساکنان اورشلیم بر

یهودا نذر ننماید. ^۸ در آن روز خداوند ساکنان اورشلیم را حمایت خواهد نمود و ضعیف ترین ایشان در آن روز مثل داود خواهد بود و خاندان داود مانند خدا مثل فرشته خداوند در حضور ایشان خواهند بود. ^۹ و در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت هایی که به ضد اورشلیم می آیند، خواهد نمود.

نوحه برای نوزه خورده

^{۱۰} و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نوزه زده اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه گری برای پسر یگانه خود، نوحه گری خواهند نمود و مانند کسی که برای نخست زاده خویش ماتم گیرد، برای من ماتم تلخ خواهند گرفت. ^{۱۱} در آن روز ماتم عظیمی مانند ماتم هددرمون در همواری مجدون در اورشلیم خواهد بود. ^{۱۲} و اهل زمین ماتم خواهند گرفت هر قبیله علیحده، قبیله خاندان داود علیحده، و زنان ایشان علیحده، قبیله خاندان ناتان علیحده، و زنان ایشان علیحده. ^{۱۳} قبیله خاندان لاوی علیحده، و زنان ایشان علیحده، قبیله شمعی علیحده، و زنان ایشان علیحده، ^{۱۴} و جمیع قبایلی که باقی مانده باشند هر قبیله علیحده، و زنان ایشان علیحده.

۱۳

طهارت گاه

^۱ در آن روز برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم چشمه ای به جهت گاه و نجاست مفتوح خواهد شد. ^۲ و یهوه صباوت می گوید در آن روز نامهای بتها را از روی زمین منقطع خواهم ساخت که بار دیگر آنها را بیاد نخواهند آورد و انبیا و روح پلید را نیز از زمین دور خواهم کرد. ^۳ و هر که بار دیگر نبوت نمایند پدر و مادرش که او را تولید نموده اند، وی را خواهند گفت که زنده نخواهی ماند زیرا که به اسم یهوه دروغ می گویی.

و چون نبوت نماید پدر و مادرش که او را تولید نموده‌اند، وی را عرضه تیغ خواهند ساخت. ^۴ و در آن روز هر کدام از آن انبیا چون نبوت می‌کنند، از رویاهای خویش نخل خواهند شد و جامه پشمین به جهت فریب دادن نخواهند پوشید. ^۵ و هریک خواهد گفت: من نبی نیستم بلکه زرع کننده زمین می‌باشم زیرا که از طفولیت خود به غلامی فروخته شده‌ام. ^۶ و او را خواهند گفت: این جراحات که در دستهای تومی باشد چیست؟ و او جواب خواهد داد آنها بی است که در خانه دوستان خویش به آنها مجروح شده‌ام.

شبان و گوسفندان

^۷ یهوه صباپوت می‌گوید: «ای شمشیر به ضد شبان من و به ضد آن مردی که همدوش من است برخیز! شبان را بزن و گوسفندان پراکنده خواهند شد و من دست خود را بر کوچکان خواهم برگردانید.»

^۸ و خداوند می‌گوید که «در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند. ^۹ و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می‌باشد.»

۱۴

سلطنت خداوند

^۱ اینک روز خداوند می‌آید و غنیمت تودر میانت تقسیم خواهد شد. ^۲ و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی‌عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر

منقطع نخواهند شد. ۳ و خداوند بیرون آمده، با آن قوم‌ها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود. ۴ و در آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد و کوه زیتون در میانش از مشرق تا مغرب منشق شده، دره بسیار عظیمی خواهد شد و نصف کوه بطرف شمال و نصف دیگرش بطرف جنوب منتقل خواهد گردید. ۵ و بسوی دره کوههای من فرار خواهید کرد زیرا که دره کوهها تا به اصل خواهد رسید و شما خواهید گریخت چنانکه در ایام عزریا پادشاه یهودا از زلزله فرار کردید و یهوه خدای من خواهد آمد و جمیع مقدسان همراه تو خواهند آمد.

۶ و در آن روز نور (آفتاب) نخواهد بود و کواکب درخشانده، گرفته خواهند شد. ۷ و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود. نه روز و نه شب، اما در وقت شام روشنایی خواهد بود. ۸ و در آن روز، آبهای زنده از اورشلیم جاری خواهد شد (که نصف آنها بسوی دریای شرقی و نصف دیگر آنها بسوی دریای غربی) خواهد رفت. (در تابستان و در زمستان چنین واقع خواهد شد. ۹ و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد. ۱۰ و تمامی زمین از جبع تا رمون که بطرف جنوب اورشلیم است متبدل شده، مثل عربی خواهد گردید و (اورشلیم) مرتفع شده، در مکان خود از دروازه بنیامین تا جای دروازه اول و تا دروازه زاویه و از برج حنثیل تا چرخشت پادشاه مسکون خواهد شد. ۱۱ و در آن ساکن خواهند شد و دیگر لعنت نخواهد بود و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد.

۱۲ و این بلایی خواهد بود که خداوند بر همه قوم هایی که با اورشلیم جنگ کنند وارد خواهد آورد. گوشت ایشان در حالتی که بر پایهای خود ایستاده باشند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت. ۱۳ و

در آن روز اضطراب عظیمی از جانب خداوند در میان ایشان خواهد بود و دست یکدیگر را خواهند گرفت و دست هر کس به ضد دست دیگری بلند خواهد شد. ۱۴ و یهودا نیز نزد اورشلیم جنگ خواهد نمود و دولت جمیع امت های مجاور آن از طلا و نقره و لباس از حد زیاده جمع خواهد شد. ۱۵ و بلای اسبان و قاطران و شتران و الاغها و تمامی حیواناتی که در آن اردوها باشند همچنان مانند این بلا خواهد بود. ۱۶ و واقع خواهد شد که همه باقی ماندگان از جمیع امت هایی که به ضد اورشلیم آیند، هر سال بر خواهند آمد تا یهوه صبیوت پادشاه را عبادت نمایند و عید خیمه ها را نگاه دارند. ۱۷ و هر کدام از قبایل زمین که به جهت عبادت یهوه صبیوت پادشاه بر نیایند، برایشان باران نخواهد شد. ۱۸ و اگر قبیله مصر بر نیایند و حاضر نشوند برایشان نیز (باران) نخواهد شد. این است بلایی که خداوند وارد خواهد آورد بر امت هایی که به جهت نگاه داشتن عید خیمه ها بر نیایند. ۱۹ این است قصاص مصر و قصاص همه امت هایی که به جهت نگاه داشتن عید خیمه ها بر نیایند. ۲۰ و در آن روز بر زنگهای اسبان «مقدس خداوند» (منقوش) خواهد شد و دیگرها در خانه خداوند مثل کاسه های پیش مذبح خواهد بود. ۲۱ بلکه همه دیگرهایی که در اورشلیم و یهودامی باشد، مقدس یهوه صبیوت خواهد بود و همه کسانی که قربانی می گذرانند آمده، از آنها خواهند گرفت و در آنها طبخ خواهند کرد و در آنوقت بار دیگر هیچ کنعانی در خانه یهوه صبیوت نخواهد بود.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f